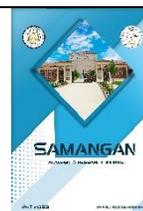




**Samangan Scientific and Research Journal**

<https://researchsparker.edu.af/index.php/SARJ>

ISSN: 3006-8835



## **Examination of Deliberate Fetal Abortion from the Perspectives of Sunni Jurisprudence Schools**

**Fazlurahman Faez \***

*Department of Islamic Sciences and Culture, Faculty of Education, Samangan Higher Education Institute.*

\* Corresponding Author: [fazelrahmanfaeiz1@gmail.com](mailto:fazelrahmanfaeiz1@gmail.com)

Cite this study:

Faez, F. (2024). Examination of Deliberate Fetal Abortion from the Perspectives of Sunni Jurisprudence Schools, Samangan Academic and Research Journal, 1(1), 98-108.

### **Keywords**

fetus, abortion, intentional, jurists, and religions.

Research

Received:

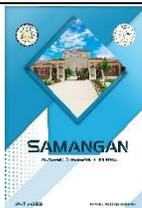
Revised:

Accepted:

Published:

### **Abstract**

Getting pregnant is not a special right of a woman or a special right of a husband to force one party to do it; In other words, each of the husband and wife has the right to prevent pregnancy according to the requirements (asala al-bara'a 'atliyyah and al-haqiyah). This act is known in jurisprudence as (Izl). In the previous laws, the fetus was treated as a potential human being as an actual human being, and abortion was considered to be suicide. In the upcoming research, according to the causes that provide grounds for the intentional abortion of the fetus and the classification of the Sunni jurists, it seems that the intentional abortion of the fetus after the soul has been blown is an impermissible and improper act from the Shari'a point of view, but in If the non-abortion threatens or harms the life of the mother, then in this case, they are allowed to have an abortion. From the point of view of most contemporary jurists, abortion before the end of life is not only permissible, but according to some conditions, it is even obligatory. In any case, both groups are unanimous in this case that if the continuation of the child's life in the mother's womb threatens and destroys his life, then the abortion of the child is obligatory and the child should not be preferred over the mother.



مجله علمی-تحقیقی سمنگان

<https://researchsparker.edu.af/index.php/SARJ>

ISSN: 3006-8835



## بررسی سقط عمدی جنین از منظر فقهای مذاهب اهل سنت

پوهنمل فضل الرحمن فایز \*

دیارتمنت علوم و فرهنگ اسلامی، پوهنځی تعلیم و تربیه، مؤسسه تحصیلات عالی سمنگان

\* نویسنده مسؤل: [fazelrahmanfaeiz1@gmail.com](mailto:fazelrahmanfaeiz1@gmail.com)

تقریظ دهنده: پوهندوی صدیق الله کریمی

مرجع دهی:

فایز ف. (۱۴۰۲). بررسی سقط عمدی جنین از منظر فقهای مذاهب اهل سنت، (۱)، ۹۸-۱۰۸.

### کلمات کلیدی

جنین، سقط، عمدی، فقها، مذاهب.

### چکیده

باردارشدن زن حق خاص زن و یا حق خاص شوهر نیست تا یک طرف، طرف دیگر را به آن وادار نماید؛ به عبارت دیگر، هرکدام از زن و شوهر به مقتضای این که انسان بوده و دارای حقوق مساوی اند، حق جلوگیری از حمل را دارند. فرقی که میان زن و مرد وجود دارد، در این است که برای شوهر جایز است در موقع آمیزش از انزال نطفه در رحم زن جلوگیری کند که این عمل در فقه به نام (عزل) مشهور است. در شرایط پیشین با جنین به عنوان وجود بالقوه انسانی همچون انسان بالفعل برخورد شده و سقط جنین صراحتاً قتل نفس دانسته شده است. در تحقیق پیش رو با توجه به عللی که زمینه های اسقاط عمدی جنین را فراهم می سازد و دسته بندی فقهای اهل سنت ظاهراً چنین به نظر می رسد که اسقاط عمدی جنین پس از دمیده شدن روح از لحاظ شرعی عمل ناجایز و ناشایست بوده، اما در صورتی که عدم سقط باعث تهدید یا تضییع جان مادر گردد، پس در این صورت ایشان قایل به جواز سقط شده اند. از دیدگاه بیشتر فقهای معاصر اسقاط پیش از دمیده شدن روح نه تنها جایز، بلکه با توجه به بعضی از شرایط حتی واجب نیز می باشد. به هر حال، هردو گروه در این مورد متفق القول اند که هرگاه ادامه حیات طفل در رحم مادر باعث تهدید و تضییع جان وی گردد، پس اسقاط طفل واجب بوده و نباید فرع را بر اصل که همان مادر باشد، ترجیح داد.



## مقدمه

الحمد لله رب العالمین؛ الذی خلق الإنسان من سلالة من طین، ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین و الصلاة و السلام علی رسولہ النبی الامین و علی آله و أصحابہ أجمعین.

سقط جنین بنا بر علل و عواملی هم‌واره در جوامع بشری وجود داشته و پیوسته از سوی شرایع آسمانی از جمله اسلام و اصول اخلاقی و فلسفی، به‌عنوان جنایت بر انسان یاد گردیده و مورد نکوهش قرار گرفته است. با این توضیح که امروزه با توجه به پیشرفت علوم طبی افزون بر عللی که در گذشته در این باره وجود داشته است، علل دیگری گرایش به اسقاط جنین از نوع عمدی آن را برجسته‌تر کرده و گاهی آن را به مرز ضرورت می‌رساند. این ضرورت برخاسته از ملاحظات انسانی است؛ همان‌گونه که تقبیح و گناه ممنوعیت آن نیز بدین لحاظ است. نوشته پیش‌رو در پی آن است که گزارش تحلیلی از آرای دانشمندان فقیه درباره اسقاط (عمدی) را بیان نموده با این انگیزه که شاید بتوان از میان آرای آنان به مبنای مقبول و منطقی برای زمینه‌های چالش‌برانگیز و مورد نیاز دست یافت.

در رابطه به پیشینه تحقیق با آن که اکثر علما و دانشمندان به شکلی از اشکال به آن پرداخته‌اند؛ اما نگارنده علی‌الرغم تلاش و جستجویی که نموده هیچ مقاله مستقلی را که به‌صورت جامع دیدگاه‌های فقهی مذاهب اهل سنت را در رابطه به بررسی عمدی سقط جنین به رشته تحریر درآورده باشد، سراغ ندارد؛ بناءً آن‌چه نوشته پیش‌رو در پی آن است، بیان گزارش‌گونه و گاه همراه با تحلیل دیدگاه‌های فقهی گذشته و معاصر مذاهب چهارگانه اهل سنت در این باره است که شاید بازگویی و جستجو در آرای آنان بتواند گشایشی باشد برای پرسش‌های مطرح‌شده در این باب.

هدف نگارنده آن است تا در این مقاله با توجه به بررسی نصوص و اقوال فقهی مذاهب به‌صورت مقارنه دیدگاه‌های فقهی مذاهب اهل سنت را مورد بررسی قرار دهد تا روشن گردد که آیا در خصوص سقط جنین اتفاق نظر وجود دارد که این عمل جرم بوده و مستوجب مجازات است یا این که میان هریک از سقط جنین به شکل عمدی و غیر عمدی تفکیک قایل شده‌اند؛ هم‌چنان بررسی می‌گردد که میان جنینی که هنوز روح در آن دمیده نشده با جنینی که در آن روح دمیده شده است، در خصوص نوع مجازات آن کدام فرقی وجود دارد یا خیر.

اهمیت تحقیق حاضر این است که با توجه به عدم آگاهی عامه مردم از مفاهیم دینی و شرعی در راستای حرمت سقط عمدی جنین و هم‌چنان در بعضی مواقع ضعف اقتصادی و ترس از فراهم‌نمودن نفقه برای فرزندان و در نهایت اقدام به سقط آن نمودن از موارد شایعی است که می‌طلبد تا پیرامون موضوع از بُعد فقهی به آن پرداخته شود تا در روشنایی آن بتوان حیات جنین را در رحم مادر حفظ نمود.

روش نگارش این مقاله با توجه به مبتلابه و کاربردی بودن آن به صورت توصیفی-تحلیلی بوده و جهت جمع‌آوری اطلاعات تلاش شده است تا از منابع موثق و معتبر به صورت کتابخانه‌یی استفاده صورت گیرد و اطلاعات و نتایج حاصل از آن با ذکر ادله بیان گردد.

به‌طور خلاصه می‌توان گفت که علل اسقاط عمدی جنین دو دسته است: یک دسته علت‌های برخاسته از ضرورت‌های غیر طبی و دسته دوم برخاسته از ضرورت‌ها و ملاحظات طبی. عللی که مرتبط به ضرورت-ها یا ملاحظات طبی است خود دو دسته است: یک دسته مربوط به ملاحظات طبی برای حفظ جان مادر است و دسته دیگر ملاحظاتی است که مرتبط با سلامت و زنده‌گی جنین است و این خود نیز گاهی مرتبط با سلامت جسمی جنین و گاهی نیز مرتبط با سلامت روحی و روانی او است.

### تبیین مفاهیم

**تعریف جنین:** واژه «جنین» از لحاظ لغوی به معنای هر چیز پنهان و پوشیده است (عمید، 1376ش: ص 376). همچنان جنین بر وزن فعلیل بوده که از «جنه» مأخوذ گردیده (ابن منظور، 1408 ق، ج 1: ص 676) و از نظر لغوی به معنای مستور و پوشیده است (الشبلی، ج 1: ص 211). به باغ پردرخت از آن جهت که درختان انبوه روی زمین را می‌پوشانند و به گور و مرده در آن که پوشیده از چشم دیگران است، به ترتیب جنه و جنین گفته می‌شود (جر، بی‌تا، ج 1: ص 772). و اولین مرحله از تکوین خلقت انسان را جنین گویند (اشقر، 1419 ق: ص 113).

اما از لحاظ اصطلاحی به فرزند در شکم مادر از آن رو که پوشیده و پنهان است، جنین گفته می‌شود و آن مرحله از مرحله (علقه) است (الراغب، 1412 ق، ج 1: ص 770). در قرآن کریم نیز از نطفه‌یی که در رحم مادر قرار می‌گیرد به این نام یاد شده است: «إِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ» (مقاتل، ج 4: ص 165).

**سقط جنین:** مفهوم اسقاط جنین در اصطلاح فقیهان و طبیبان عبارت است از انداختن زن حامل خود را قبل از آن که خلقت و آفرینش وی تکمیل گردیده و زمان ولادتش فرارسد (یعقوبی گلوردی، 1383: ص 264).

**دیه:** دیه یا خون‌بها از لحاظ لغوی از ماده «ودی» بوده که طبق قواعد اعلال به جای واو محذوف هاء در آخر کلمه افزوده شده است. مصدر «اتداء» نیز از همین ماده است که به معنای اخذ دیه به کار رفته است (جوهری، 1410 ق، ج 6: ص 521). و از لحاظ اصطلاحی عبارت از مالی است که در بدل نفس پرداخت می‌گردد (سرخسی، 1324 ق: ص 58).

**غره:** منظور از غره عبد ابیض (غلام سفیدپوست) یا امه بیضاء (کنیز سفیدپوست) است که به عنوان جریمه اسقاط جنین باید پرداخت شود (ابن منظور، 1414 ق: ص 19). در صحیح مسلم به روایت ابوهریره از پیامبر (صلی الله علیه و سلم) در مورد طفلی که در شکم مادرش از بین رفته بود، به «غره» حکم نمودند (صحیح مسلم، ج 3: ص 1309/ حدیث شماره ۱۶۸۱).

### گفتار اول - حکم اسقاط عمدی جنین پس از دمیده شدن روح

از دیدگاه مذاهب فقهی اهل سنت اسقاط عمدی جنین بعد از دمیده شدن روح که معمولاً 120 روز را در بر می گیرد، حرام است (غزالی، 1998م، ج 2: ص 86). کیفیت سخنان فقیهان در این باره مطلق است؛ بدین معنا که حکم به حرمت اسقاط دربرگیرنده موردی نیز است که بارداری مادر موجب مرگ وی می شود. برای نمونه سخن یکی از فقیهان اهل سنت را در این باره بازگو می کنیم: «فلا يجوز للزوجین و لا لأحدهما... التسبب فی اسقاطه قبل التخلق علی المشهور و لا بعده إتفاقا» (علیش، 1978م: ص 339)؛ ترجمه: «بنابر نظر مشهور جایز نیست هیچ یک از زوجین یا غیر از آن دو که موجب اسقاط جنین پیش از دمیدن روح شوند و این حکم پس از دمیدن روح مورد اتفاق است.» از آن جا که احکام شرع به منظور حفظ پنج مقصود (دین، نفس، نسل، مال و عقل) وضع شده اند (الشاطبی، 1994م، ج 1: ص 19). بر این اساس، جواز اسقاط عمدی جنین با هدف شارع که حفظ نسل و همین طور حفظ نفس است، در تعارض واقع شده و ناسازگار خواهد بود. در حدیثی که ابوهریره (رضی الله عنه) از پیامبر (صلی الله علیه و سلم) روایت کرده است در خصوص سقط جنین حکم به «غره» شده است: «قَضَى فِي جَنِينِ امْرَأَةٍ مِنْ بَنِي لَحْيَانَ بَغْرَةً» (صحیح البخاری، ج 9: ص 11/ حدیث شماره 6909).

پاره‌یی فقیهان اهل سنت در این باره علاوه بر حکم به حرمت، حکم به وجوب قصاص نیز داده اند (زحیلی، 1997م، ج 7: ص 5776). ابن حزم در پی یک پرسش و پاسخ چنین گفته است: «فإن قال قائل فما تقولون فيمن تعمدت قتل جنينها و قد تجاوزت مائة ليلة و عشرين ليلةً بيقين؟ فمن قولنا: ان القود واجب في ذالك و لابد» (ابن حزم، 1993م: ص 239)؛ ترجمه: «اگر کسی بگوید: نظر شما درباره کسی که از روی عمد جنین خود را به قتل رسانیده و حال آن که دوره حیات جنین قطعاً از 120 شب گذشته است، چیست؟ نظر ما این است که قصاص واجب است و گریزی از آن نیست.» به هر حال حرمت اسقاط عمدی جنین پس از دمیدن روح است و هیچ تفاوتی میان حالت تهدید جان مادر و غیر آن دیده نمی شود (مذکور، 1969م: ص 30).

### توجیه اسقاط عمدی جنین در صورت تهدید جان مادر از دیدگاه فقهی معاصر

آنچه در این بحث اهمیت دارد و باید به آن توجه شود، معیار و مبنای فقیهان معاصر اهل سنت در این باره است و این اهمیت به خاطر آن است که اساساً مبنای آن‌ها چیست؟ آیا فقیهان متقدم توجه به

این مبنا داشته‌اند یا خیر؟ آیا فقیهان معاصر در این باره به رغم نظر فقیهان پیشین به مخالفت با آن‌ها برخاسته‌اند و یا این که به معنای واقعی کلمه مخالفت نیست؛ بلکه مسأله‌ی است که زمینه‌های توجه به آن (از جمله علوم طبی) فراهم نبوده است. از سوی دیگر اهمیت این مسأله از آن جهت است که قلمرو و گستره معیار جواز اسقاط عمدی تا کجاست؟ آیا شامل دیگر عللی که زمینه اسقاط عمدی را فراهم می‌سازد (مانند این که تولد جنین موجب بیماری بهبودناپذیر مادر شود و یا این که خود جنین دچار چنین بیماری صعب‌العلاج باشد) می‌شود یا خیر؟ به‌طور کلی می‌توان درباره جواز اسقاط عمدی جنین از دیدگاه فقیهان معاصر اهل سنت سه توجیه به میان آورد:

### توجیه اول

پاره‌یی از نوشته‌های فقهی معاصر اهل سنت اسقاط عمدی جنین را در صورت تهدید جان مادر جایز می‌دانند (الرملی، 1993م: ص 443) و دلایلی را برای آن بیان داشته‌اند؛ از جمله این که زنده‌گی مادر نسبت به زنده‌گی جنین استقرار یافته و محقق است؛ در حالی که زنده‌گی جنین این گونه نیست و روشن است که عقل در صورت تعارض میان موجودی که زنده‌گی‌اش استقرار یافته و موجودی که هنوز زنده‌گی‌اش ثابت نیست، به آن اولی ترجیح داد و میان تعارض اصل و فرع، اولویت و ترجیح از اصل است. هرگاه از لحاظ علم طب ثابت شود که جنین باعث مرگ مادر می‌گردد، نه تنها اسقاط جنین جایز است، بلکه اسقاط واجب می‌گردد (زیدان، 1994م، ج 3: ص 1056).

استدلال مذکور مورد اعتراض قرار گرفته که منظور از استقرار زنده‌گی مادر چه هنگامی است؟ آیا اکنون مراد است یا هنگام وضع حمل؟ اگر منظور هنگام کنونی است، پس زنده‌گی جنین نیز استقرار دارد و تحقق یافته است و تفاوتی با مادر ندارد و اگر منظور هنگام وضع حمل است، بلی زنده‌گی جنین در آن هنگام یقینی نیست؛ همان گونه که زنده‌گی مادر نیز در آن هنگام یقینی نیست؛ بر این اساس، هیچ تفاوتی میان زنده‌گی جنین و زنده‌گی مادر وجود ندارد. از همین خاطر نمی‌توان زنده‌گی مادر را بر زنده‌گی جنین ترجیح داد (یاسین، 1409: ص 259).

اعتراض یادشده ظاهراً درست به نظر می‌رسد و نگارنده به این باور است که بهتر است به جای کلمه «استقرار» از کلمه «استقلال» استفاده شود تا بتوان این گونه از اعتراض و خرده‌گیری بعدی دفاع نمود؛ زیرا این یقینی است که زنده‌گی جنین مستقل نبوده و وابسته به مادر است؛ اما زنده‌گی مادر همان گونه که استقرار دارد، استقلال نیز دارد و عقل نیز در میان تعارض حفظ زنده‌گی موجود مستقل با موجود غیر مستقل اولی را ترجیح می‌دهد.

### توجیه دوم

گاهی نیز ممکن است با توجه به برخی احکام فقهی برای توجیه برتری دادن جان مادر در مقایسه با جان جنین چنین گفته شود:

اول) مادر در مقایسه با جنین اصل است و جنین فرع. و طبق اصول چنانچه اصل فرع را به قتل برساند، اصل قصاص نمی‌شود (ابن قدامه، بی تا، ج 1: ص 359). به نظر می‌رسد آنچه بیان گردید، از باب استحسان بوده که برتری نجات جان مادر را نسبت به جان جنین به ذهن استیناس می‌کند و نمی‌توان از آن‌ها به عنوان دلیل عقلی یا شرعی استوار و اجتناب‌ناپذیر برای اسقاط عمدی جنین یاد کرد (اشقر، 1999م، ج 2: ص 243).

دوم) بیش‌تر فقیهان اهل سنت بر این باورند که کشتن جنین (اگر چه عمدی باشد) موجب قصاص نمی‌شود؛ البته در صورتی که جنین میت و بی‌جان ساقط شود (عوده، 1994م: ص 14). دکتور یوسف قرضاوی در این باره می‌گوید: «اذا ثبت من طریق موثوق به ان بقاؤه بعد تحقق حیاته یؤدی لا محاله الی موت الأم... کان اسقاطه فی تلك الحاله متعینا» (القرضاوی، 1973م: ص 195)؛ ترجمه: «هنگامی که از طریق مطمئن ثابت شود که بقای جنین ناگزیر موجب مرگ مادر می‌شود، در این هنگام اسقاط آن معین است.»

سوم) به نظر برخی مذاهب فقهی اهل سنت مانند احناف نفس جنین مساوی با نفس مادر نیست؛ از همین خاطر، در مذهب احناف جنین هم نفس است و هم نفس نیست. جنین از آن جهت که روح در وی دمیده شده، نفس نامیده می‌شود و از آن جهت که وجود مستقل ندارد و جزئی از مادر به شمار می‌آید، نفس نامیده نمی‌شود (آفندی، بی تا، ج 10: ص 299).

به نظر می‌رسد آنچه بیان گردید، از باب استحسان بوده که برتری نجات جان مادر را نسبت به جان جنین به ذهن استیناس می‌کند و نمی‌توان از آن‌ها به عنوان دلیل عقلی یا شرعی استوار و اجتناب‌ناپذیر برای اسقاط عمدی جنین یاد کرد. دست‌بردن به این‌گونه امور برای بیان حکم شرعی در نظر برخی از فقیهان مانند شافعی به‌مثابه دست‌درازی به امور ذوقی برای بیان حکم شرع به‌شمار می‌آید و از نظر ایشان به‌عنوان دلیل حکم شرعی قابل پذیرش نیست (اشقر، 1999م، ج 2: ص 243). گرچه ممکن است به عنوان تأیید حکم مورد توجه قرار گیرد.

### توجیه سوم

بیش‌تر نوشته‌های فقهی معاصر برای برتری دادن جان مادر نسبت به جان جنین به دلایلی مانند «أخف الضررین = کمترین زیان» (شلتوت، 1975م: ص 29) یا «اهون الشرین = آسان‌ترین بدی» (یاسین، 1409ق: ص 299) و یا «جلب مصلحت عظمی = به‌دست‌آوردن مصلحت بزرگ» (صالح فوزان، 1975م: ص 1053) استدلال نموده‌اند. دلیل «أخف الضررین» (صدقی، 1424هـ.ق، ج 1: ص 230) و تعبیرهایی

مانند آن از جمله دلایل انکارناپذیر عقلی است و نیازی به برهان ندارد. بر پایه آنچه گفته شد به نظر این گروه از فقیهان هرگاه تعارضی میان جان مادر و جنین قرار گیرد، حالا به رغم تساوی ارزش انسانی هر دو، ترجیح حیات مادر است.

### گفتار دوم - اسقاط عمدی جنین پیش از دمیدن روح

در این گفتار نخست نظریات چهار مذهب فقهی بیان گردیده و سپس به تحلیل دیدگاهها و پاسخ‌یابی مسأله مورد بحث می‌پردازیم:

#### الف) مذهب حنفی

در مذهب احناف درباره اسقاط عمدی جنین پیش از دمیدن روح چندین نظریه وجود دارد (ابن عابدین، ج 2: 1412 هـ.ق: ص 304):

1- جواز اسقاط عمدی جنین: این نظریه در مذهب احناف رجحان دارد و در استدلال آن نیز گفته شده است که جنین در این هنگام انسان نیست و نفس وی محترم شمرده نمی‌شود. به همین خاطر عنوان قتل بر آن صدق نمی‌کند؛ زیرا همان‌گونه که گفته شد، قتل یعنی ازاله روح و جنین در این مرحله فاقد روح است؛ به همین جهت مشمول آیه کریمه «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (الاسراء/33) نمی‌گردد؛ زیرا ملاک حرام بودن قتل نفس محترم است و جنین در این مرحله نفس محترم نیست. اسقاط عمدی جنین خواه با عذر باشد یا بدون عذر، در هر دو حالت مجاز است (محمد، بی‌تا، ج 2: ص 495).

2- جواز اسقاط عمدی جنین همراه با کراهیت: زیرا منی پس از واقع شدن در رحم سرانجام انسان خواهد شد؛ به همین خاطر اطلاق آن جایز نیست (ابن عابدین، 1412 هـ.ق، ج 2: ص 586).

#### ب) مذهب مالکی

نظریات فقهی مذهب مالکی در این باره به سه دسته تقسیم می‌شود:

1- جمهور فقیهان مذهب مالکی بر این باورند که پس از استقرار منی در رحم زن اسقاط جایز نیست؛ اگرچه پیش از چهل روز (مرحله نطفه) باشد (الدسوقی، بی‌تا، ج 2: ص 267).

2- عده دیگری از فقیهان مالکی بر این باورند که اسقاط جنین پیش از دمیدن روح مانعی ندارد؛ البته در صورتی که جنین از زنا باشد و به‌ویژه این احتمال وجود داشته باشد که با ظهور بارداری زن، وی به قتل برسد (علیش، 1978م: ص 399).

3- برخی دیگر مانند لخمی اسقاط جنین را پیش از دمیدن روح (پیش از چهل روز) مجاز می‌دانند؛ ولی پس از آن را مجاز نمی‌دانند (الرهونی، 1978م، ج 3: ص 264).

#### ج) مذهب حنبلی

در مذهب حنابله نیز در این باره سه دیدگاه وجود دارد:

- 1- آنچه که در مذهب فقهی رجحان دارد، جواز اسقاط پیش از چهل روز است؛ ولی پس از آن جایز نیست و بدین‌رو برخی از آنان تصریح کرده‌اند که خوردن دارو برای اسقاط جنین پیش از چهل روز مانعی ندارد.
- 2- ابن جوزی از دانشمندان مذهب حنبلی بر این باور است که اسقاط عمدی پیش از دمیدن روح به‌طور کلی حرام است.
- 3- برخی دیگر از دانشمندان این مذهب فقهی مانند ابن عقیل به‌طور کلی اسقاط جنین پیش از دمیده‌شدن روح را جایز می‌دانند (المرداوی، 1978م، ج 1: ص 386).

#### د) مذهب شافعی

در مذهب شافعی نیز سه دیدگاه مطرح است که ذیلاً بیان می‌گردد:

- 1- آنچه که در این مذهب قول راجح دانسته می‌شود، جواز اسقاط عمدی قبل از دمیده‌شدن روح است (المحلی، بی تا، ج 4: ص 571).
- 2- برخی دیگر مانند غزالی به‌طور کلی اسقاط عمدی پیش از چهار ماه را حرام می‌دانند. غزالی درباره دلیل این نظریه می‌گوید: زیرا اسقاط جنایت بر موجودی است که تحقق یافته است (غزالی، 1998م: ص 86).
- 3- جواز اسقاط پیش از دمیده‌شدن روح در صورتی که حمل نتیجه زنا باشد؛ زیرا در این صورت جنین محترم نیست (الجمال، بی تا: ص 491).

#### مناقشه

چنانچه بیان گردید، از دیدگاه بسیاری از فقیهان اصل بر ممنوعیت اسقاط عمدی جنین پیش از چهار ماه است؛ زیرا اگر جنین پیش از چهار ماه فاقد روح و نفس است، با این همه از آن جا که حیات دارد، اسقاط عمدی یعنی سلب کردن حیات موجودی که جان دارد، عقل چنین امری را بدون عذر معقول زشت شمرده و جنایت قلمداد می‌کند. برخی از فقیهان معاصر اسقاط عمدی پیش از چهل روز را اگر چه بدون عذر باشد، جایز می‌دانند و پس از چهل روز را با وجود عذر مجاز می‌شمارند. همه کسانی که اسقاط عمدی را پیش از چهار ماه ممنوع می‌دانند و این امر را به‌عنوان یک اصل پذیرفته‌اند، این را قبول می‌کنند که چنانچه عذر معقول برای اسقاط وجود داشته باشد، اسقاط جایز است. روشن‌ترین مصداق عذر معقول را تهدید جان مادر یا سلب سلامتی او در اثر ادامه بارداری یا تولد جنین یاد کرده‌اند. به عبارت دیگر، چنانچه این عذر ملاحظاتی طبی برای مادر داشته باشد، قطعاً اسقاط پیش از چهار ماه جایز است. در رابطه به امور غیر طبی مربوط به مادر مانند این که طیبیان تشخیص بدهند که جنین در

صورت تولد عقب‌مانده‌گی ذهنی خواهد داشت یا سوء شکل خواهد بود و یا جسماً معیوب تولد خواهد شد، در این خصوص عده‌یی از فقهای معاصر اسقاط آن را جایز می‌دانند. حتی برخی، مواردی را که از نظر اهمیت کمتر از این است، به‌عنوان مجوز اسقاط یاد کرده‌اند؛ مانند این که پدر نتواند هزینه و مخارج فرزند را تأمین کند و یا این که مادر سفری را در پیش داشته باشد (البته در صورتی که سن جنین کمتر از چهل روز باشد) و یا این که شیر مادر در اثر بارداری برای کودک شیرخوار قطع گردد.

بنابر آن چه که از فقیهان معاصر در این باره بیان گردید، اگرچه جنین پیش از چهار ماه فاقد روح است و به همین جهت به آن انسان گفته نمی‌شود، اما از آن جا که موجود زنده است، اتلاف آن بدون وجود عذر معقول پذیرفته نیست و از لحاظ شرعی و اخلاقی ناجایز و ناپسند دانسته می‌شود. همان گونه که قبلاً گفته شد، در صورتی که عذر موجه شرعی و قانونی و طبیی مربوط به حفظ جان مادر وجود داشته باشد، با توجه به قاعده‌های «یختار اهون الشیرین = یتحمل ضرر الخاص لدفع ضررالعام = اختار اهون الشیرین...» می‌توان با خاطر آسوده حکم به جواز اسقاط (حتی حکم به وجوب اسقاط) داد؛ زیرا از دیدگاه بسیاری از فقیهان این قاعده، پس از چهار ماه نیز قابل استناد است؛ بنابراین، پیش از چهار ماه سزاوارتر است چرا که پیش از چهار ماه تعارض میان موجودی که دارای نفس است (یکی مادر و دیگری جنین) نخواهد بود؛ بلکه تعارض میان دو موجودی است که یکی نفس دارد و دیگری ندارد. و در این حالت عقل و منطق و اخلاق و عواطف انسانی حکم می‌کند که حفظ جان موجود دارای روح و نفس نه تنها جایز بلکه واجب است.

### نتیجه‌گیری

1- مرحله نطفه (چهل روز اول)؛ بیش‌تر فقیهان مذهب حنفی و شافعی و حنبلی و بعضاً فقیهان مالکی اسقاط در این مرحله را بدون شرط جایز می‌دانند و از سوی دیگر بیش‌تر فقیهان مالکی و برخی از فقهای احناف و غزالی و شافعی و ابن جوزی از حنابله آن را حرام می‌دانند.

2- مرحله علقه (چهل روز دوم)؛ بیش‌تر فقیهان حنفی و شافعی و همین‌طور ابن عقیل از فقهای حنبلی اسقاط در این مرحله را مباح می‌دانند؛ ولی از دیدگاه همه فقیهان مالکی و برخی فقیهان حنفی و شافعی حرام تلقی می‌شود.

3- هیچ‌یک از فقیهان مذاهب چهارگانه اسقاط جنین پیش از چهار ماه را قتل نفس نمی‌دانند؛ از این جهت، ابن قدامه بر این باور است که جنین پیش از دمیده‌شدن روح همچون جمادات است و به این لحاظ در صورت اسقاط پیش از چهار ماه نه غسل نیاز دارد و نه نماز به آن واجب است؛ زیرا که ازهاق روح نشده و میت دانسته نمی‌شود.

ابن حزم از فقیهان ظاهریه نیز تصریح می‌کند که اسقاط جنین پیش از چهار ماه ازهاق روح به شمار نمی‌آید و تنها در این مورد یک جنین اسقاط گردیده است و بس؛ نه این که انسانی به قتل رسیده باشد.

بر اساس آنچه تا این جا دیدگاه‌های مذاهب فقهی مطرح گردید، اسقاط عمدی جنین پیش از چهار ماه و در صورت تهدید جان مادر جایز است. بنابر مذاهبی چون رأی غالب احناف و همین‌گونه فقیهانی چون ابن عقیل که اسقاط پیش از چهار ماه را به‌طور کلی جایز می‌دانند، دلیل مسأله روشن است؛ اما بنابر مذاهبی چون مالکی یا فقیهانی چون غزالی که اسقاط پیش از چهار ماه را حرام می‌دانند و نیز می‌شود چنین حکمی را به آن‌ها استناد داد؛ زیرا بنابر هر چهار مذهب فقهی اسقاط جنین در این مرحله قتل نفس قلم‌داد نمی‌شود و از این رو مشمول آیات قرآن مثل «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین، همان‌گونه که پیش از این از ابن قدامه بازگو کردیم، جنین در این مرحله تکه‌یی از خون است (که البته رشد دارد) و از این رو اسقاط آن چیزی جز اِتْلَاف (شیء) نخواهد بود. به همین لحاظ، چنان‌چه طبیبان تشخیص دهند، نه تنها جایز بلکه واجب است؛ زیرا در این صورت اهمیت جنین موجودی که روح ندارد و نفس دانسته نمی‌شود، با اهمیت وجود مادر که دارای روح است و افزون بر آن بقا و سلامت وجودش برای کانون خانواده ضروری است، برابر نخواهد بود.

### پیشنهادها

نگارنده با توجه به اهمیت موضوع مواردی را ذیلاً پیشنهاد می‌دارد:

1- یکی از مسائلی که فراروی [اخلاق](#) و دانش طبی وجود دارد، مسأله حفظ حیات و سلامت فرد است. با توجه به این که جنین نیز فرد دانسته شده و از لحاظ شرعی درخور کرامت است، پس برای دست‌اندرکاران علوم طبی لازمی و ضروری است که در حفظ حیات آن نهایت کوشش و توجه خود را داشته باشند و هرگونه تساهل در این خصوص که موجب عزل و سقط و ازهاق وی گردد، شرعاً حرام بوده و درخور مجازات دنیوی و اخروی خواهد بود.

2- دستگاه‌های عدلی و قضایی کشور می‌باید در راستای جلوگیری از سقط‌های جنین بی‌رویه و بی‌موجب راه‌کارهای قانونی و عملی را در چهارچوب شریعت اسلامی در نظر گرفته و مرتکبین چنین اعمال را مطابق آن مجازات نمایند.

3- پیشنهاد می‌گردد تا وزارت محترم ارشاد، حج و اوقاف از طریق خطیبان مساجد این را به عامه مردم ابلاغ بدارند که سقط جنینی که در آن عذر شرعی و قانونی موجود نباشد، گناه بس بزرگ بوده و عاملین آن نه تنها مستوجب مجازات دنیوی‌اند، بلکه در آخرت نیز مورد بازپرس الله خالق قرار خواهند گرفت.

## منابع

- قرآن کریم.
- ابن حزم، أبو محمد علی بن أحمد بن سعید. (1993م). المحلی بالآثار. چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
- ابن عابدین، محمد أمین بن عمر بن عبدالعزیز. (1412 ق). رد المحتار علی الدر المختار. چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- ابن قدامة، أبو محمد موفق الدین عبدالله بن أحمد بن محمد. (1388ق). المغنی لابن قدامة. چاپ اول، قاهره: دارالکتب العربی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، أبو الفضل، جمال الدین. (1414 ق). لسان العرب. جلد های 3-5، چاپ سوم، بیروت: دار صدر.
- الاشقر، عمر بن سلیمان بن عبدالله. (1425 ق). نظرات فی اصول الفقه. چاپ دوم، اردن: دارالنفائس للنشر والتوزیع.
- الجمیل، سلیمان بن عمر بن منصور العجیلی الأزهری. (بی تا). فتوحات الوهاب بتوضیح شرح منهج الطلاب المعروف بحاشیة الجمیل. چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- الدسوقی، محمد بن أحمد بن عرفه. (بی تا). حاشیة الدسوقی علی الشرح الكبير. چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
- الراغب، ابوالقاسم الحسین بن محمد المعروف بالراغب الاصفهانی. (1412 ق). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دارالقلم.
- الرملی، شهاب الدین أحمد بن حمزة الأنصاری. (1993م). فتاوی الرملی. قاهره: المكتبة الإسلامية.
- الرهونی، محمد بن احمد بن محمد بن یوسف. (1978م). حاشیة الإمام الرهونی علی شرح الزرقانی. چاپ اول، بیروت: دارالفکر.
- الزحیلی، وهبة. (1997م). الفقه الاسلامی و أدلته. چاپ اول، دمشق: دارالفکر.
- الشاطبی، إبراهيم بن موسی بن محمد اللخمی الغرناطی. (1417 ق). الموافقات. چاپ اول، ریاض: دار ابن عفان.
- آفندی، قاضی زاده. (بی تا). نتایج الافکار فی کشف الرموز و الافکار. ج 10، بی جا: بی نا.
- القرضاوی، یوسف. (1973م). الحلال و الحرام فی الاسلام. چاپ پنجم، دمشق: المكتبة الاسلامی.
- المحلی، جلال الدین. (بی تا). قلیونی و عمیره علی شرح العلامة علی المنهاج الطالبین. چاپ چهارم، قاهره: دار احیاء کتب العربیه.
- المرداوی، علاؤالدین أبو الحسن علی بن سلیمان. (بی تا). الإنصاف فی معرفة الراجح من الخلاف. چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بخاری، أبو عبدالله محمد بن إسماعیل. (1422 ق). صحیح البخاری. چاپ اول، بیروت: دار طوق النجاة.

- جر، خليل. (بی تا). فرهنگ عربی فارسی لاروس. ترجمه سید حمید طبیبیان، تهران: انتشارات امیر کبیر. جوهری، اسماعیل بن حماد. (1401ق). تاج اللغة. چاپ اول، بیروت: دارالعلم للملایین.
- زیدان، عبدالکریم. (1994م). المفصل فی أحكام المرأة و البيت المسلم فی الشریعة الإسلامیة. چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الرساله.
- سرخسی، محمد بن احمد بن ابی سهل شمس الأئمه. (1324ق). المبسوط. چاپ دوم، قاهره: مطبعة السعادة.
- شبلی، محمد بن عبدالله. (بی تا). آکام المرجان فی أحكام الجنان. قاهره: مكتبة القرآن.
- شلتوت، محمود. (1975م). الفتاوی. چاپ دوم، القاهره: دارالشروق.
- صالح فوزان، شیخ محمد بن ابراهیم. (1975م). الفتاوی الجامعة للمرأة المسلمة. چاپ سوم، الرياض: دارالقاسم.
- صدقی، محمد بن احمد. (1424ق). موسوعة القواعد الفقهیة. چاپ اول، بیروت: مؤسسه الرساله.
- علیش، محمد. (1978م). فتح العلی المالك. چاپ اول، قاهره: دارالکتب العربی.
- عوده، عبدالقادر. (1994م). التشريع الجنایی الإسلامی. چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الرساله.
- عمید، حسن. (1388 ش). فرهنگ فارسی عمید. چاپ چهلیم، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- غزالی، أبوحامد محمد بن محمد. (1998م). إحیاء علوم الدین. چاپ دوم، حلب: دارالوعی.
- قشیری، مسلم بن الحجاج. (بی تا). صحیح مسلم. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- محمد، کمال الدین بن عبدالواحد. (بی تا). شرح فتح القدير للعاجر الفقیر. چاپ دوم، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مذکور، محمدسلام. (1969م). الجنین و الأحكام المتعلقة بها فی الفقه الإسلامی. چاپ چهارم، القاهره: دارالنهضة العربیة.
- مقاتل، ابوالحسن مقاتل بن سلیمان. (1423ق). تفسیر مقاتل. چاپ اول، بیروت: دار إحياء التراث.
- یاسین، محمدنعیم، (1409ق). احکام الاجهاض. رقم 13، کویت: مجلة الشریعة.

